

Investigating Dis/Satisfaction of Peripheral Community from Industrial Projects: The Case of Oil and Gas Projects in Assaluyeh Region

Saeed Keshavarzi¹, Mostafa Faramarzian², Zahra Salmanzadeh³

1. PhD in Sociology, Scholar at the Scuola Normale Superiore, Florence, Italy, (Corresponding Author); saeed.keshavarzi.21@gmail.com
2. Master of Public Administration, Payame Noor University of Tehran, Iran; mostafa.faramarzian@gmail.com
3. Master of Industrial Psychology, Islamic Azad University of Marvdasht, Iran; zahrasalmanzade95@gmail.com

Original Article

Abstract

Background and Aim: Satisfaction of the peripheral community is one of the most important issues referred to in the field of corporate social responsibility and sustainable development. Assaluyeh region, located in Bushehr province, has been a context for the growth and construction of several oil and gas projects in Iran and hence has turned into an important area of energy. However, the level of peripheral communities' satisfaction with industrial plans still remained speculative or, at best, unscientifically documented in the Assaluyeh region. Considering the strategic importance of this region, the present study was designed to measure the level at which peripheral communities were satisfied with the oil and gas projects.

Methods and Data: To do this, 400 people in the area were surveyed based on random cluster sampling. Dimensions of satisfaction were extracted based on the ISO 26000 model.

Findings: According to the results of this study, the overall level of local people's satisfaction is not at a favorable level. Among the dimensions of dissatisfaction, the highest level was related to the quality of governance.

Conclusion: The issue of local people's dissatisfaction requires serious attention from the governance system as there has been an unfavorable situation in all analyzed environmental dimensions. In the region, there is an ambiguity about the environmental situation causing the spread of unverifiable news. It seems that one of the primary solutions is to provide a platform that reports up-to-date environmental indicators.

Keywords: Satisfaction, Peripheral community, Assaluyeh, Social responsibility, Sustainable development.

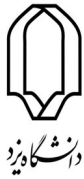
Key Message: The sustainability of the Assaluyeh region needs serious attention. Besides, a significant proportion of the indigenous population cannot distinguish between the various oil and gas companies located in this region. Hence, from the local people's point of view, the responsibility of interventions by any of these companies, whether positive or negative, is the subject of generalization to the entire policy-making system of the region.

Received: 26 May 2022

Accepted: 20 June 2022

Citation: Keshavarzi, S., Faramarzian, M., Salmanzadeh, Z. (2022). Investigating Dis/Satisfaction of Peripheral Community from Industrial Projects: The Case of Oil and Gas Projects in Assaluyeh Region. *Journal of Social Continuity and Change*, 1(2): 249-260. <https://doi.org/10.22034/jscc.2022.2723>





ارزیابی و آسیب‌شناسی رضایت‌مندی جامعه پیرامونی از طرح‌های صنعتی: مورد طرح‌های نفت و گاز در منطقه عسلویه

سعید کشاورزی^۱، مصطفی فرامرزیان^۲، زهرا سلمان‌زاده^۳

- ۱- دکتری جامعه‌شناسی، پژوهشگر در دانشگاه تحصیلات عالی ایتالیا (نویسنده مسئول); saeed.keshavarzi.21@gmail.com
۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه پیام نور تهران، ایران; mostafa.faramarzian@gmail.com
۳- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روان‌شناسی صنعتی، دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت، ایران; zahrassalmanzade95@gmail.com

مقاله پژوهشی

چکیده

زمینه و هدف: رضایت‌مندی جامعه پیرامونی از مباحث مهم در زمینه مسئولیت اجتماعی شرکتی و توسعه پایدار به شمار می‌رود. منطقه عسلویه، واقع در استان بوشهر، بستر تحولات اقتصادی و رشد و احداث بسیاری از پروژه‌های نفت و گاز کشور بوده است به‌صورتی که به یک حوزه مهم انرژی مبدل شده است. با این حال، میزان رضایت جامعه پیرامونی از طرح‌های صنعتی در این منطقه همچنان در حد حدس و گمان یا در بهترین حالت به صورت غیرعلمی باقی مانده است. بنابراین، مطالعه پیش‌رو سطح و ابعاد مختلف رضایت‌مندی جامعه پیرامونی از طرح‌های نفت و گاز را به صورت روش‌مند سنجیده است.

روش و داده‌ها: جهت انجام این تحقیق، ۴۰۰ نفر از مردم منطقه پیرامونی بر اساس نمونه‌گیری خوشه‌ای پیمایش شدند. ابعاد رضایت‌مندی جامعه پیرامونی مبتنی بر موارد مطرح در مدل ایزو ۲۶۰۰۰ بوده و شامل سه بعد مشارکت شرکت‌ها در توسعه جامعه، محیط‌زیست و حاکمیت سازمانی می‌باشد.

یافته‌ها: بر اساس نتایج این مطالعه، میزان رضایت‌مندی کلی مردم منطقه در سطح مطلوبی قرار ندارد. در میان ابعاد ناراضی، بیشترین میزان مربوط به بخش کیفیت حاکمیت سازمانی بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری: وضعیت ناراضی در این منطقه نیازمند برنامه‌ریزی جدی از سوی نظام حکمرانی است چنانچه در تمامی شاخص‌های مورد ارزیابی وضعیت نامطلوبی حاکم است. در منطقه پارس جنوبی با ابهام در خصوص اثرات محیط‌زیستی روبرو هستیم؛ چنانچه این فضای مبهم موجب گسترش اخبار غیرقابل تأیید در این زمینه می‌شود. به نظر می‌رسد یکی از راهکارهای ابتدایی، فراهم‌ساختن بستری است که نمایشگر وضعیت به‌روز شاخص‌های محیط‌زیستی باشد.

واژگان کلیدی: رضایت‌مندی، جامعه پیرامونی، عسلویه، مسئولیت اجتماعی، توسعه پایدار

پیام اصلی: پایداری منطقه عسلویه نیازمند توجه جدی است. از آنجا که بخش قابل توجهی از مردم بومی منطقه توانایی تمایز میان شرکت‌های نفت و گاز آن منطقه را نداشته و به همین دلیل، از نظر مردم محلی مسئولیت اقدامات مداخله‌ای از سوی هر یک از این شرکت‌ها چه مثبت و چه منفی به کلیت نظام سیاست‌گذاری منطقه تعمیم می‌یابد.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۵

ارجاع: کشاورزی، سعید؛ فرامرزیان، مصطفی؛ سلمان‌زاده، زهرا (۱۴۰۱). ارزیابی و آسیب‌شناسی رضایت‌مندی جامعه پیرامونی از طرح‌های صنعتی: مورد طرح‌های نفت و گاز در منطقه عسلویه، *تداوم و تغییر اجتماعی*، (۲): ۲۶۰-۲۴۹. <https://doi.org/10.22034/jscc.2022.2723>



مقدمه و بیان مسأله

در سال‌های اخیر، مسئولیت اجتماعی شرکتی به‌عنوان یکی از مفاهیم مهم در عرصه مدیریت شرکت‌ها درآمده است. در این راستا، به شکل‌های مختلفی به اهمیت و ضرورت پرداختن به ابعاد متنوع این مفهوم پرداخته شده است. به‌صورت کلی، اهمیت و ضرورت اهتمام به مسئولیت اجتماعی در قالب دو دیدگاه قابل تحلیل است. دیدگاه نخست را می‌توان چشم‌انداز ابزاری قلمداد کرد. از این منظر، شرکت‌ها از آن جهت می‌بایست به مسئولیت اجتماعی پردازند که این مفهوم می‌تواند به شکل مستقیم و غیرمستقیم برای شرکت ثمراتی در پی داشته باشد. در این زمینه، ادبیات تحقیق مبین نقش اثرگذار این مفهوم در بهبود متغیرهای شرکتی است (حاجی‌ها و سرفراز، ۱۳۹۳؛ سپاسی و حسن‌زاده، ۱۳۹۵). در واقع این تحقیقات به شکل قابل توجهی به نقش مسئولیت اجتماعی در رسیدن به پایداری شرکت پرداخته‌اند و بیشتر رویکرد سودمحور مدنظر قرار گرفته است. به عبارتی طبق این رویکرد، شرکت‌ها به دلیل اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم این مفهوم بر میزان سودآوری و تاب‌آوری در بازار سرمایه نیاز دارند تا میزان مسئولیت اجتماعی شرکتی خود را بهبود دهند (رضایی و همکاران، ۱۳۹۲؛ حیدرزاده، ۱۳۹۳). بر این اساس، عملکرد مسئولانه شرکت در قبال ذینفعان از جمله مشتریان و افکار عمومی، منجر به پایداری شرکت و توسعه همه‌جانبه می‌شود.

چشم‌انداز دیگری که در آن بر اهمیت مسئولیت اجتماعی شرکتی تأکید شده را می‌توان رهیافت اخلاق محور نامید (براون و اشمیت، ۱۳۹۱). از این منظر، شرکت‌ها از آن جهت می‌بایست به جامعه پیرامونی و ذینفعان بپردازند که وظیفه اخلاقی آنها این امر را ایجاب می‌کند. این چشم‌انداز در برابر دیدگاه سودمحور، معتقد است محاسبات سود و هزینه در زمانی که وظیفه اخلاقی وجود دارد، تعیین‌کننده نخواهد بود. اغلب آثار اخلاقی در حوزه محیط‌زیست از این چشم‌انداز بر ضرورت پرداختن به مسئولیت اجتماعی پرداخته‌اند.

ماحصل هر دو چشم‌انداز یادشده، اهمیت و ضرورت پرداختن به بحث‌های مرتبط با مسئولیت اجتماعی شرکتی است. اهمیت طرح‌ها به لحاظ اقتصادی و سیاسی می‌تواند مبین میزان اهمیت مسئولیت اجتماعی شرکت باشد. از سوی دیگر، در ادبیات تحقیق بر نقش مسئولیت اجتماعی شرکتی در کاهش ریسک فساد اشاره شده است؛ البته منوط به شرایطی که در آن متغیرهای زمینه‌ای از جمله کیفیت نهادی، حمایت از حقوق ذینفعان خرد، توسعه بازار سهام و آزادی مطبوعات در سطح قابل قبولی قرار داشته باشند (Krishnamurti, Shams & Velayutham, 2018).

در کنار تمامی فواید مطرح شده جایگاه مورد تحقیق نیز نیاز به سنجش و پایش میزان مسئولیت اجتماعی شرکتی و رضایت جامعه محلی به عنوان یکی از شاخص‌های آن را بیش از پیش پررنگ می‌سازد. همان‌طور که به وفور گفته می‌شود یکی از مهم‌ترین مناطق استراتژیک و تأثیرگذار بر اقتصاد کشور منطقه اقتصادی عسلویه و پارس جنوبی است. ذخایر گاز و ترکیب صنایع بالادستی و پایین‌دستی، عسلویه را به مهم‌ترین قطب انرژی کشور مبدل کرده است. در میان صنایع موجود در عسلویه نیز مجتمع گاز پارس جنوبی به دلایل نقش برجسته در تأمین گاز کشور و درآمدهای ناشی از فروش میعانات از اهمیت بالایی برخوردار است. با این حال، به دلیل ضرورت‌های حاکمیتی، در کلیه طرح‌های مرتبط با منطقه عسلویه از ابتدا مباحث اجتماعی شامل مسأله «ارزیابی تأثیرات اجتماعی» و مسئولیت اجتماعی نادیده گرفته شده است (طالبیان، فاضلی و دغاقله، ۱۳۸۷). ارزیابی‌های مردم‌نگارانه بعدی که در این منطقه انجام شده است، ضمن تأیید برخی تصورات مثبت اقتصادی در میان مردم بومی عسلویه، نمایانگر مشکلات جدی در موارد گوناگونی از جمله غیراثربخشی نهادهای مستقر، سلطه فن‌سالاری بر نگاه انسانی و نهایتاً وضعیت ناپایدار منطقه بوده است (بذرافکن و ایمان، ۱۳۹۶).

با این همه، گذشت زمان و بروز عینی اثرات طرح‌ها در وجوه مختلف از جمله تغییرات جمعیتی ناشی از نیاز به نیروی کار موجب بروز نگرانی‌های عمده‌ای شده است (صابری زفرقندی و همکاران، ۱۳۸۶؛ صدوق و همکاران، ۱۳۹۳). در تحقیقی که امینی نژاد (۱۳۹۴) انجام داده است، نشان می‌دهد که از نظر جامعه پیرامونی، میزان اثرات منفی طرح‌ها بر کارکردهای مثبت آنها افزون است. او این مشکلات را به این صورت جمع‌بندی می‌کند: «مسائلی همچون ورود بیش از حد جمعیت بیکار جویای کار، تخلیه روستاهای در محدوده تأسیسات، افزایش بی‌رویه قیمت زمین و اجاره مسکن و نابودی زمین‌های زراعی، از بین رفتن فعالیت‌های صید و صیادی و صنایع وابسته به آن، توزیع نامناسب امکانات و خدمات، درگیری و اختلاف مذهبی بین اهل تسنن و تشیع و بروز ناهنجاری‌های شدید اجتماعی (اعتیاد، سرقت و...)، نابسامانی‌های محیطی (آلودگی هوا، آب) و صدها مسأله دیگر دست به گریبان (این مناطق) است و احتمالاً با این روند در آینده مسائل و مشکلات بیشتری بروز خواهد کرد» (همان: ۱۰۱). خروجی این نگرانی‌ها و تغییر در چشم‌اندازهای مدیریتی منبث از آن، موجب شد تا بحث‌های مرتبط با مسائل اجتماعی خود را در پیوست‌های فرهنگی و محیط‌زیستی نمودار سازد، گرچه در موارد بسیاری هنوز این پیوست‌ها به دلایل مختلف در اختیار عموم قرار نگرفته است.

در همین راستا، وزارت نفت به دلیل انتظاراتی که در اذهان عمومی وجود داشته و دارد، در دهه‌های گذشته همواره در معرض مطالبات مرتبط و غیرمرتبط با صنعت نفت بوده است. در این شرایط، مجموعه نفت تلاش کرده تا حد امکان در هماهنگی و همراهی با سایر مراجع و مسئولان استانی و محلی، نیازها و خواسته‌های مردم محلی و منطقه را بر طرف کند. اهمیت این موضوع و حساسیت‌های ایجاد شده نسبت به حضور صنعت نفت در مناطق بومی کمتر برخوردار سبب شد تا این وزارتخانه نسبت به ابلاغ سیاست‌ها و نظام‌نامه نحوه ایفای مسئولیت‌های اجتماعی در صنعت نفت، اقدام نماید. این سند با عنایت به آثار محیط اجتماعی بر کارایی فعالیت‌های صنعت نفت و با هدف ارائه تصویر مناسب از صنعت نفت در افکار عمومی، ایجاد فضای لازم برای افزایش اعتماد اجتماعی، بهبود روابط با جوامع محلی و تسهیل شرایط کاری صنعت نفت در این جوامع، بهینه‌سازی هزینه‌ها در زمینه اقدام‌های مسئولانه سازمان‌ها و شرکت‌های نفتی و نظارت عالی به این باره تدوین و به تمامی شرکت‌های زیر مجموعه ابلاغ شده است.

شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی به عنوان یکی از شرکت‌های زیرمجموعه شرکت ملی گاز که عهده‌دار بهره‌برداری از پالایشگاه‌های گازی در منطقه عسلویه است نیز با ایفای نقش محوری خود در تأمین پایدار انرژی گاز کشور نسبت به انجام مسئولیت‌های اجتماعی خود در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و محیط زیست توجه نموده است. یکی از ذینفعان مهمی که شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی نیز با آنها سروکار دارند، جامعه پیرامونی همجوار بومی است. طرح‌ها و پروژه‌های اقتصادی در عسلویه، به شکل‌های مختلفی بر زندگی افراد حاضر در منطقه اثرگذار بوده است. بافت جمعیتی و اجتماعی با ورود طرح‌های اقتصادی دچار تحولات بنیادینی شده است. چه این تغییرات مبدأ آسیب‌ها در سطح جوامع بومی تلقی شود و چه این تحولات را مبدأ تغییرات مثبت برای منطقه قلمداد کنیم، لاجرم باید پذیرفت وضعیت ادراکی مردم منطقه تغییر کرده است. از یک‌سو، ادراک افراد از حوزه‌های مختلف تأثیرگذاری طرح‌ها بر زیست کوتاه‌مدت و بلندمدتشان می‌تواند در جهت‌گیری آنها نسبت به طرح‌های بعدی تأثیرگذار باشد، از سوی دیگر، نارضایتی احتمالی مردم محلی از طرح‌ها می‌تواند در سطوح محلی و ملی برای این طرح‌ها و پروژه‌های بعدی مشکل‌ساز باشد.

علاوه بر این، ادراک افراد مردم منطقه نسبت به طرح‌های اقتصادی قاعداً در وجوه مختلف با یکدیگر متفاوت است. به‌عنوان مثال، ممکن است برای افراد محلی بحث اشتغال از آلودگی محیط‌زیستی کم‌اهمیت‌تر قلمداد شود و یا بالعکس. این وزن متفاوت وجوه تأثیرگذاری طرح‌ها، می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های آتی شرکت‌ها مؤثر باشد. بر این اساس، این مطالعه تلاش کرده است تا ضمن شناسایی نگرش جامعه پیرامونی مجتمع گاز به این شرکت، میزان اهمیت هر یک از وجوه تأثیرگذاری شرکت را از نظر مردم محلی شناسایی نماید. لازم به ذکر است، ادعای این مقاله به هیچ عنوان ارائه چشم‌اندازی تبیینی از وضعیت موجود نیست بلکه هدف آن است تا توصیفی چندبعدی از وضعیت نارضایتی/رضایتمندی مردم محلی ارائه شود. در انتهای این مطالعه نیز تلاش شده است بر اساس نتایج مذکور و منابع مطالعاتی، راه‌حل‌هایی احتمالی و نه قطعی در جهت بهبود وضعیت نگرش مردم منطقه ارائه گردد. همان‌طور که خواهیم دید بخش گسترده‌ای از مردم ساکن منطقه (تقریباً ۴۰ درصد) قادر به تمیزدادن مجتمع گاز و دیگر شرکت‌ها منطقه نبوده‌اند، از این‌رو، نتایج این مطالعه را می‌توان با اندکی اغماض به‌عنوان نگرش جاری مردم منطقه نسبت به پروژه‌های نفت و گاز تلقی کرد.

روش و داده‌ها

به‌طور کلی در علوم اجتماعی پژوهش با استفاده از سه رویکرد اصلی انجام می‌گیرد: رویکرد کمی، کیفی و شیوه ترکیبی (کرسول، ۲۰۰۹). از آنجاکه در این تحقیق، محقق تلاش کرده است با محوریت مدل ایزو ۲۶۰۰۰ (۲۰۱۰)، وضعیت ادراکی منطقه نسبت به مجتمع گاز پارس جنوبی را مورد سنجش قرار دهد، بنابراین، رویکرد این پژوهش کمی انتخاب شده است. جامعه آماری به معنای همان جامعه اصلی است که از آن نمونه نما یا معرف به‌دست آمده باشد (ساروخانی، ۱۳۸۳). جامعه آماری این مطالعه، تمامی مردم ساکن منطقه عسلویه بوده است که شامل ۴۳۸۸۹ نفر می‌شود. جهت انتخاب نمونه از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی کمک گرفته شد و بر اساس فرمول کوکران تعداد نمونه در سطح معنی‌داری ۵ درصد، ۴۰۰ نمونه محاسبه شد. به این صورت که ابتدا مناطق موردنظر، بر اساس تقسیم‌بندی شهرداری‌های منطقه به ۱۲ قسمت تقسیم شد و بر اساس نسبت جمعیتی هر منطقه، تعداد نمونه‌های قابل پیمایش انتخاب و نهایتاً به‌صورت تصادفی در هر منطقه پیمایش انجام شد. محققان در این مطالعه تلاش کرده‌اند با انتخاب پرسشگران بومی با جنسیت‌های مختلف (سه مرد و دو زن) بر میزان اعتماد پاسخ‌های داده شده بیفزایند.

در خصوص استاندارد ایزو ۲۶۰۰۰ نیاز است خاطر نشان کنیم که این ایزو یکی از موارد غیرالزامی مرتبط با مبحث مسئولیت اجتماعی شرکتی است. این ایزو عموماً شامل معرفی مجموعه‌ای از ابعاد می‌شود که هدف آنها کمک به سازمان‌ها برای بررسی و برنامه‌ریزی استراتژی‌های لازم جهت اجرای صحیح مسئولیت اجتماعی است. در واقع، هدف اصلی مسئولیت اجتماعی ایزو ۲۶۰۰۰، کمک به تحقق توسعه پایدار است. از این منظر، مدیریت مسئولیت اجتماعی در هر سازمانی، راهکارهایی در زمینه اصول اساسی و استاندارد مسئولیت‌پذیری اجتماعی ارائه می‌کند تا روش‌های ادغام، تلفیق و تبدیل رفتار مسئولیت اجتماعی به سیستم‌ها، اقدامات و فرایندهای سازمانی مشخص و سپس پیاده‌سازی شود. استاندارد مسئولیت‌پذیری اجتماعی شامل مجموعه‌ای یکپارچه راهکارهای البته غیرالزام‌آور در راستای کمک به سازمان‌ها در پیاده‌سازی ابعاد توسعه پایدار است.

همچنین با الگوبرداری از استاندارد ایزو ۲۶۰۰۰، محققان پرسشنامه تحقیق را بر اساس سه مفهوم کلیدی «مشارکت در توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی» جامعه، «فعالیت‌های محیط‌زیستی» و «حاکمیت سازمانی» طراحی کردند. محققان با ارسال پرسشنامه

محقق-ساخته برای اساتید خبره در این زمینه، تلاش کردند بر اعتبار این مطالعه بیفزایند. همچنین با استفاده از فن پیش‌آزمون، پایایی پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت. پرسشنامه این مطالعه شامل سه قسمت، اطلاعات جمعیتی، گزاره‌های مسئولیت اجتماعی (در سه مفهوم اصلی) مورد اشاره و سؤالات دانشی است. در قسمت اطلاعات جمعیتی، از پاسخگویان درباره جنسیت، تحصیلات، وضعیت تأهل، مذهب و شغلشان سؤالاتی پرسیده شد. در قسمت دوم، سؤالاتی حول سه مفهوم اصلی مسئولیت اجتماعی شرکت در قبال مردم و در قسمت سوم سؤالاتی درباره اطلاعات مردم در زمینه شرکت‌های منطقه و قدرت تمیزدادن آنها با مجتمع، پرسش‌هایی طراحی گردید که در ادامه نحوه عملیاتی‌سازی مفاهیم مورد نظر توضیح داده شده است، ضمناً در این مطالعه میزان رضایتمندی و نگرش مردم نسبت به مفاهیم مذکور، مورد سنجش قرار گرفته است.

مشارکت در توسعه جامعه: این مفهوم به معنای میزان منابع اختصاص داده شده از سوی شرکت‌ها در جهت رشد و توسعه جامعه محلی در نظر گرفته می‌شود. این مفهوم در این مطالعه، به‌عنوان یکی از ابعاد جدایی‌ناپذیر توسعه پایدار به سه متغیر اساسی طبقه‌بندی شده است: الف) توسعه فرهنگی؛ ب) توسعه اجتماعی و ج) توسعه اقتصادی. جهت سنجش متغیر توسعه فرهنگی، سؤالاتی طراحی شد که از مردم درباره میزان رضایتمندی‌شان از مشارکت شرکت‌ها در مسائل آموزشی و فرهنگی سؤالاتی پرسیده می‌شد. همچنین جهت ارزیابی متغیر توسعه اجتماعی، سؤالات تحقیق رضایت مردم از مشارکت شرکت‌ها در جامعه و سلامت مردم را مورد سنجش قرار می‌داد. در خصوص متغیر توسعه اقتصادی نیز از مردم خواسته می‌شد میزان رضایتشان از شرکت‌ها را در زمینه اشتغال‌زایی، توسعه مهارت‌ها و درآمدزایی (امور خیریه و فقرزدایی) بیان نمایند.

محیط زیست: این مفهوم به معنای محیط پیرامونی شرکت تعریف شده است. هدف از طرح این مفهوم، سنجش میزان رضایت مردم از وضعیت محیط زیست منطقه بوده است. این مفهوم در این مطالعه به دو بُعد جلوگیری از آلودگی و حفاظت و تجدید محیط طبیعی تقسیم‌بندی شد. سؤالات ناظر بر بُعد جلوگیری از آلودگی، رضایت مردم را در زمینه آلودگی هوا، آب و مدیریت پسماندها مورد سنجش قرار می‌دادند و سؤالات مربوط به بُعد حفاظت و تجدید محیط طبیعی، میزان رضایت مردم از حفاظت از گونه‌های زیستی و زیستگاه‌های طبیعی را می‌سنجیدند.

حاکمیت سازمانی: این مفهوم به معنای اتخاذ رویکرد عادلانه در فرایندهای تصمیم‌گیری است. جهت سنجش این متغیر از افراد خواسته شد میزان رضایتشان را در خصوص سازوکارهای ارتباط متقابل با شهروندان مجتمع، فراهم آوردن فرصت‌ها و مزد پردازی عادلانه بیان نمایند. کلیه پرسش‌های ساخته شده، بر اساس طیف لیکرت ۵ سطحی طراحی شده و سپس در مقیاس نمره ۱۰۰ قرار گرفتند تا میزان رضایتمندی جامعه‌ی هدف محاسبه شود.

یافته‌ها

در این قسمت نخست، جداول و آمارهای مربوط به نتایج این مطالعه آورده شده و توضیحاتی در خصوص آنها ارائه می‌شود و سپس در قسمت بعد (نتیجه‌گیری) به تحلیل و بحث در خصوص نتایج مطالعه خواهیم پرداخت.

در جدول ۱ پراکندگی مناطق جغرافیایی تحت این پیمایش نشان داده شده است. مطابق اطلاعات جدول، بیشترین تعداد نمونه مربوط به دو منطقه نخل تقی و عسلویه بوده است.

جدول ۱- منطقه جغرافیایی پاسخگویان

ردیف	نام منطقه	درصد پاسخگویان
۱	بیدخون	۱۱/۸
۲	نخل تقی	۲۹/۹
۳	اخذ	۷/۶
۴	چاه مبارک	۱۲/۷
۵	بستانو	۳/۳
۶	بزباز	۲/۴
۷	خیارو	۱/۵
۸	زبار	۱/۲
۹	عسلویه	۲۴/۲
۱۰	هاله	۱/۲
۱۱	بساتین	۲/۴
۱۲	دهنو	۱/۸
	کل	۱۰۰

بر اساس یافته‌ها، ۵۹ درصد از پاسخگویان را مردان و ۴۱ درصد از حجم نمونه را زنان تشکیل داده‌اند. هم‌چنین مطابق جدول زیر تقریباً نیمی از پاسخگویان دارای مدارک تحصیلی دیپلم به پایین بوده‌اند (جدول شماره ۲). بیشترین فراوانی سطح تحصیلی افراد نیز مربوط به مقطع تحصیلی دیپلم بوده است.

جدول ۲- وضعیت تحصیلی پاسخگویان

ردیف	مدرك تحصیلی	درصد پاسخگویان	درصد تجمعی
۱	پایین‌تر از دیپلم	۱۵/۷	۱۵/۷
۲	دیپلم	۲۹/۶	۴۵/۳
۳	کاردانی	۱۶	۶۱/۳
۴	کارشناسی	۲۴/۹	۸۶/۲
۵	کارشناسی ارشد	۳/۹	۹۰/۱
۶	دکتری	۰/۲	۹۰/۳
۷	بدون پاسخ	۹/۷	۱۰۰
	کل	۱۰۰	

نزدیک به ۶۰ درصد از افراد مورد پیمایش، متأهل (۵۹/۴)، حدود ۳۴ درصد مجرد و ۶ درصد افراد متعلق به سایر گروه‌ها بوده‌اند (مطلقه و بیوه). بر اساس جدول زیر (جدول ۳)، اکثریت افراد اعلام کرده‌اند اهل تسنن هستند (۶۰/۸) و نزدیک به ۳۲ درصد نیز اعلام کرده‌اند که پیرو مکتب تشیع می‌باشند؛ درحالی‌که مابقی افراد به این سؤال پاسخی ندادند (۷/۴ درصد).

جدول ۳- مذهب پاسخگویان

ردیف	مذهب	درصد پاسخگویان
۱	تشیع	۳۱/۸
۲	تسنن	۶۰/۸
۳	بدون پاسخ	۷/۴
	کل	۱۰۰

مطابق جدول ۴، نزدیک به ۱۲ درصد از افراد مورد پیمایش اعلام کرده‌اند بیکار هستند؛ درحالی‌که بیشترین فراوانی مربوط به مشاغل آزاد بوده است.

جدول ۴- وضعیت شغلی پاسخگویان

ردیف	شغل	درصد پاسخگویان
۱	خانه‌دار	۱۱
۲	بیکار	۱۱/۹
۳	آزاد	۲۱/۵
۴	کارمند	۱۵/۵
۵	محصل	۸/۸
۶	راننده	۲/۲
۷	کارگر	۴/۴
۸	معلم	۴/۴
۹	پزشک	۰/۳
۱۰	کشاورز	۰/۳
۱۱	روحانی	۰/۳
۱۲	دانشجو	۲/۲
۱۳	سرباز	۰/۳
۱۴	بدون پاسخ	۱۶/۹
	کل	۱۰۰

جدول ۵ نشان‌دهنده میزان رضایت مردم منطقه از مفاهیم اصلی مسئولیت اجتماعی شرکت می‌باشد. مطابق جدول، به صورت کلی رضایت مردم منطقه در سطح بالایی قرار ندارد؛ چنانچه امتیاز تمامی متغیرهای مسئولیت اجتماعی از نظر مردم زیر نصف (۵۰ واحد) بوده است. همچنین، بیشترین درجه رضایتمندی مردم مربوط به متغیر «مشارکت در توسعه جامعه» بوده؛ درحالی‌که، بیشترین نارضایتی مردم مربوط به متغیر «حاکمیت سازمانی» بوده است. مطابق جدول، نتایج مربوط به ابعاد مشارکت در توسعه جامعه نشان می‌دهد، مردم منطقه از بُعد توسعه فرهنگی بیش از سایر ابعاد، رضایت دارند. در زمینه ابعاد محیط زیستی نیز می‌توان گفت، بیشترین نارضایتی مردم مربوط به بعد آلودگی‌های مختلف منطقه بوده است. در زمینه متغیر حاکمیت سازمانی نیز می‌توان گفت، بیشترین نارضایتی مردم مربوط به پرداخت عادلانه بوده است. نهایتاً در میان شاخص‌های سنجش شده در این مطالعه بیشترین نارضایتی مردم محلی به ترتیب مربوط به حفاظت از گونه‌های زیستی، فرصت‌های استخدامی و پرداخت عادلانه و مدیریت پسماندها بوده است؛ اگرچه در شاخص‌های دیگر نیز رضایتمندی چندانی به چشم نمی‌خورد.

جدول ۵- میزان رضایتمندی جامعه پیرامونی مجتمع گاز پارس جنوبی

میزان رضایتمندی مردم (در واحد ۱۰۰)			شاخص	ابعاد متغیر	متغیرهای موردبررسی
کلی	متغیر	ابعاد			
۳۸	۴۳	۴۸	۴۸	آموزش و فرهنگ	مشارکت در توسعه جامعه
		۳۹	۳۸	مشارکت در جامعه	
			۴۰	سلامت	
		۴۱	۴۰	اشتغال‌زایی و توسعه مهارت‌ها	توسعه اقتصادی
			۴۲	ثروت و درآمدزایی (امور خیریه و فقرزدایی)	
		۳۹	۳۷	۳۵	آلودگی هوا
	۴۶			آلودگی آب	
	۳۰			مدیریت پسماندها	
	۴۱		۲۷	حفاظت از گونه‌های زیستی	حفاظت و تجدید
			۵۵	حفاظت از زیستگاه‌های طبیعی	محیط طبیعی
			۳۲	۳۷	سازوکارهای ارتباط متقابل با شهروندان
	۳۰	فرصت (استخدام) عادلانه			
۳۰	پرداخت عادلانه				

جهت فهم مناسب‌تر نتایج و ارائه تحلیل دقیق‌تر از پاسخگویان سؤالاتی پرسیده شد که هدف آنها میزان تمییز جامعه هدف میان شرکت‌های مختلف در منطقه بود. همان‌طور که در جدول ۶ نشان داده شده، نزدیک به ۴۰ درصد منطقه، از نظر نوع فعالیت، تفاوتی میان مجتمع گاز و پتروشیمی‌ها قائل نبوده‌اند. همچنین تقریباً به همان نسبت جامعه بومی، تفاوتی میان مجتمع و پتروشیمی‌ها از نظر مکانی قائل نبودند. به عبارت دیگر، بیش از ۴۰ درصد از افراد نمی‌دانند که مجتمع گاز در چه مکانی قرار دارد. علاوه بر این، در میان پاسخگویان،

نزدیک به ۴۰ درصد در خصوص این سؤال که کدام شرکت بیشتر هوا را آلوده می‌کند، اظهار بی‌اطلاعی کردند، در حالی که بیش از ۳۵ درصد اعتقاد داشتند پتروشیمی‌ها آلودگی هوایی بیشتری تولید می‌کنند.

جدول ۶- میزان اطلاع جامعه در تمییز شرکت‌های منطقه

پاسخ‌ها			پرسش	ردیف
دارای اطلاعات کافی	دارای اطلاعات محدود	بدون اطلاع	تفاوت میان مجتمع گاز و پتروشیمی‌های مستقر در منطقه به لحاظ فعالیت‌ها و محصولات تولیدی	۱
۱۳/۹	۴۲/۲	۴۳/۹		
پاسخ‌ها			تفاوت میان مجتمع گاز و پتروشیمی‌های مستقر در منطقه به لحاظ استقرار جغرافیایی	۲
خیر		بلی		
۳۹/۴		۶۰/۶		
پاسخ‌ها			فلرهای کدام یک بیشتر هوای منطقه را آلوده می‌کند؟	۳
نمی‌دانم	پتروشیمی‌ها	مجتمع گاز		
۳۳/۹	۳۵/۴	۳۰/۷		

نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت مردم بومی طرح‌های توسعه‌ای، این مطالعه، به منظور سنجش نگرش جامعه پیرامونی نسبت به عملکرد مجتمع گاز پارس جنوبی در زمینه شاخص‌های مسئولیت اجتماعی انجام شده است. در این راستا، پیمایشی روی ۴۰۰ نمونه از افراد مردم منطقه بر اساس نمونه‌گیری خوشه‌ای احتمالی صورت پذیرفت. پرسش‌های طرح‌شده در این مطالعه برگرفته‌شده از مدل ایزو ۲۶۰۰۰ مسئولیت اجتماعی بوده‌اند. به منظور افزایش اعتبار داده‌ها، پرسشگران بومی از مردم محلی مصاحبه‌های ساختمند به عمل آورده و یا بر پرسیدن پرسشنامه‌ها نظارت کردند. بیشتر پاسخ‌گویان مرد و از اهل تسنن بوده‌اند. همچنین تقریباً نیمی از افراد مورد مطالعه، دارای تحصیلات دانشگاهی نبودند. در ادامه، در خصوص نتایج این مطالعه، بحث‌هایی ارائه‌شده و بر اساس آن، راهکارهایی جهت افزایش سطح رضایت مردم محلی ارائه می‌گردد.

نکته کلیدی در این مطالعه که می‌تواند نتایج منبعث از آن را به سطوح بالاتری تعمیم دهد، این است که مطابق نتایج، جمعیت بالایی از پاسخگویان قادر به تمییز دادن این مجتمع از دیگر طرح‌های توسعه‌ای گاز و نفتی واقع در منطقه نبوده‌اند؛ از این رو، می‌توان نتیجه گرفت یافته‌های این مطالعه برای دیگر شرکت‌های منطقه نیز تا اندازه زیادی قابل اتکا است. بر اساس نتایج تحقیق، بیشترین نارضایتی مردم منطقه مربوط به متغیر حاکمیت سازمانی و به‌ویژه فرصت‌های استخدام و پرداخت عادلانه بوده است. به عبارت دیگر، مردم منطقه در درجات بالایی از وضعیت عدالت در استخدام و دستمزدها راضی نبوده‌اند. این نارضایتی می‌تواند از یک‌سو در سطح رویه‌ها، قوانین استخدام و پرداخت‌ها مطرح شود و از سوی دیگر مربوط به بعد آگاهی‌سازی در این زمینه باشد. به عبارت دیگر، ممکن است، در رویه‌ها و

پرداخت‌های موجود عدالت منظور نشده باشد و یا این که نارضایتی ناشی از آگاه‌نبودن جامعه پیرامونی از وضعیت عادلانه باشد. به نظر می‌رسد نیاز است تا در درجه اول موضوع عدالت در رویه‌ها و پرداخت‌های موجود از سوی کارشناسان وزارتی موردبازنگری قرار گیرد، همچنین تمامی فرآیند استخدام و پرداخت‌ها به‌صورت کاملاً شفاف و در زمان مناسب در اختیار مردم منطقه قرار گیرد.

احتمالاً سراسرترین شیوه جهت جبران عقب‌ماندگی و نارضایتی‌های احتمالی در این زمینه، اختصاص سهمیه استخدامی به افراد بومی به‌منظور جذب در پروژه‌های منطقه است. این امر در واقع پاسخ ساده به مسأله‌ای پیچیده است. ارزیابی‌های میدانی از وضعیت کاری بومیان منطقه در پروژه‌ها، حاکی از به کارگیری این افراد در مشاغل با منزلت و درآمد پایین است. این افراد اگر پیش از این، تنها تصویری از نابرابری نسبی با افراد غیربومی داشتند، پس از استخدام، در فضایی قرار گرفته‌اند که نابرابری را به شکل ملموس‌تری احساس می‌کنند. از طرف دیگر، آتکای مفرط بر سهمیه‌های استخدامی در غیاب شیوه‌های مهارت‌افزایی بومیان، احتمالاً سازمان‌ها را با بحران عملکرد مواجه می‌سازد. پیشنهاد این مطالعه حرکت به سوی نگاه آموزش‌محور می‌باشد. دوره‌های آموزشی می‌بایست به‌صورت کاملاً عملی و مبتنی بر هدف طراحی گردد. هدف از این دوره‌ها می‌بایست ارتقاء وضعیت مهارتی افراد بومی به مرحله بالاتر و نهایتاً تحرک شغلی و اجتماعی افراد بومی باشد. همچنین می‌بایست توجه داشت، در صورت حضور مراکز علمی باکیفیت به نسبت پایین، بر شدت نارضایتی جامعه پیرامونی افزوده خواهد شد؛ چراکه مؤسسات موردنظر، میزان انتظارات و مهارت‌های افراد را به‌صورت برابری رشد نداده و تعارض میان تصور و انتظارات افراد می‌تواند موجب و مبدأ نارضایتی تشدید یافته شود (Klandermans, 1997).

طبق نتایج، رضایتمندی مردم منطقه از شاخص‌های محیط‌زیستی نیز در سطح بالایی قرار نداشته است. البته در سطوح جهانی نیز نگرانی‌های محیط‌زیستی جامعه پیرامونی در خصوص اثرات طرح‌های نفت و گاز همواره وجود داشته است (انیل، ۱۳۹۶). با این حال، در منطقه پارس جنوبی با نوعی ابهام در خصوص اثرات محیط‌زیستی روبرو هستیم؛ چنانچه این فضای مبهم موجب گسترش اخبار غیرقابل تأیید در این زمینه می‌شود. به نظر می‌رسد یکی از راهکارهای ابتدایی، فراهم‌ساختن بستری است که نمایشگر وضعیت فعلی شاخص‌های محیط‌زیستی باشد. در مرحله بعد، شرکت‌های منطقه اولویت‌های محیط‌زیستی را بر اساس یک سند کلی تدوین کرده و برنامه‌ای یکپارچه جهت حل مشکلات محیط‌زیستی در اختیار رسانه‌ها قرار دهند.

با اینکه وضعیت رضایتمندی مردم در متغیر مشارکت شرکت در توسعه جامعه به نسبت دیگر متغیرها بهتر بوده است، با این حال، در این سطح نیز وضعیت رضایت پایین گزارش شده است. بهبود وضعیت این متغیر خود می‌تواند به بهبود وضعیت متغیر حاکمیت سازمانی کمک کند. به عبارت دیگر، توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌تواند وضعیت استخدام و پرداخت‌ها را در وضعیت مناسب‌تری قرار دهد. یکی از نگرانی‌های اساسی بومی‌های منطقه، از دست رفتن وضعیت فرهنگی پیشین است. آنها تصور می‌نمایند که با ورود افراد غیربومی، بافت اجتماعی، هنجارها و به‌صورت کلی فرهنگ منطقه با خطر فروپاشی روبرو می‌شود. این احساس و نگاه منبعث از آن بومیان منطقه را نسبت به شرکت‌های تجاری و همچنین غیربومیان بدبین می‌کند. جهت حل این معضل، پیشنهاد می‌شود برنامه‌های مختلفی جهت معرفی و ارج‌گذاری به فرهنگ محلی منطقه عسلیوه تدارک دیده شود. هدف از اجرای این برنامه‌ها انتقال پیام احترام و ستایش از فرهنگ بومیان منطقه خواهد بود. در واقع، به‌تمامی شیوه‌های ممکن می‌بایست هویت ملی را در این مناطق تقویت نمود. گفتگوی مستمر با بزرگان طوایف منطقه‌ای یکی از این راه‌ها می‌تواند باشد.

عامل مهم دیگری که فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی در جوامع محلی را دستخوش نگرانی می‌کند این است که با جابجایی دولت‌ها و مدیران انگیزه‌های این اقدامات نیز به‌تبع آن تغییر می‌کند؛ از این رو، پایش نیازها و انتظارات جامعه و پرهیز از نگاه‌های

سیاسی می‌تواند میزان همپوشانی نیازهای جامعه را با فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی بیشتر سازد. منظر قابل تأمل دیگر در این حوزه، ابهام در تفکیک وظایف شرکت‌های مستقر در این منطقه است. کما این که با گذشت سالیان بسیار از ورود صنایع نفتی به این منطقه همچنان شرکت‌ها در میزان نقش و تقسیم مسئولیت در چارچوب‌های تعیین شده دچار تردیدها و عملکردهای بعضاً متناقض می‌باشند. این موضوع در سطوح اجرایی می‌تواند مدیران را دچار بالاتکلیفی و ابهام در انجام وظایف کند.

یکی از محدودیت‌های مطالعه حاضر فقدان چشم‌انداز تبیینی در ارائه نتایج بوده است. این موضوع اساساً به هدف این پژوهش یعنی ارائه چشم‌اندازی توصیفی از وضعیت رضایتمندی جامعه پیرامونی باز می‌گردد. با این حال، نویسندگان این مقاله بر این باورند که این مطالعه می‌تواند موارد قابل استنادی را جهت تحقیقات بعدی فراهم کند. پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آینده متغیرهای مستقل و وابسته دیگری که بتواند پیامدها و علل موضوع‌ها را در یک پیوستار علی-معلولی دنبال نماید، گنجانده و ارزیابی شود. ضمن آن که چندوجهی بودن عمده مسایل در این مناطق نیاز به اجرای تحقیقاتی با رویکرد کیفی و ژرفانگر را بیش از پیش نمایان می‌سازد.

در مجموع با توجه به سطح رضایتمندی مردم منطقه، به نظر می‌رسد نیازمند اهتمام بیشتر به موضوع‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی هستیم. نظام‌های اجتماعی به دلیل ماهیت پیچیده، نیازمند پاسخ‌هایی منبعث از بررسی‌های عمیق و زمینه‌مند هستند. تحقیقات پیشین نیز، علت بسیاری از مشکلات فعلی را نتیجه عدم انجام ارزیابی‌های اجتماعی و محیط‌زیستی قلمداد کرده‌اند (طالبیان، فاضلی، دغاقله، ۱۳۸۷). در نتیجه، اتخاذ برنامه‌های جامعه‌محور در برنامه‌های استراتژیک شرکت‌ها الزامی به نظر می‌رسد. از آنجا که وجود نارضایتی در یک منطقه به‌ویژه حوزه‌های بااهمیت استراتژیک عسلویه می‌تواند اثرات مخرب کوتاه و بلندمدت فراوانی داشته باشد (Klandermans, 1997)، نیاز است تا موضوع جامعه و رضایتمندی آن در سطوح مناسب و با قید فوریت مورد توجه قرار گیرد.

منابع

- آنیل، جان، آلاند، آلان و لایت، آندری (۱۳۹۶). *ارزش‌های زیست‌محیطی*. (ترجمه عیسی پیری). تهران: نشر تیسرا.
- استاندارد ایزو ۲۶۰۰۰ (۲۰۱۰). *استاندارد مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها*، (مترجم: علیرضا امیدوار)، تهران: گندمان.
- بذرافکن، مهتا، ایمان، محمدتقی. (۱۳۹۶). «مطالعه منتقدانه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و توسعه (یک مطالعه مردم‌نگارانه در منطقه عسلویه)». *توسعه اجتماعی*، ۱۱(۴): ۳۷-۷۰.
- براون، پیترو، جی و اشمیت، جرمی. جی. (۱۳۹۳). *اصول اخلاق آب*، (ترجمه مینا داورانی)، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- حاجی‌ها، زهره، سرفراز، بهمن (۱۳۹۳). «بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها و هزینه حقوق صاحبان سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۴(۴): ۱۰۵-۱۲۳.
- حیدرزاده، کامبیز (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکتی بر رضایتمندی مشتریان و شهرت شرکت-مطالعه موردی شرکت ایران خودرو». *چشم‌انداز مدیریت بازرگانی*، ۱۳(۲۰): ۴۹-۶۶.

رضایی دولت‌آبادی، حسین، جوشیار نجف‌آبادی، لیلا، خزائی پول، جواد، وریج کاظمی، رضا (۱۳۹۲). «تحلیل تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکتی بر تصویر نمادین، تصویر عملکردی و وفاداری برند». *مدیریت بازرگانی*. ۵(۲): ۶۹-۸۸.

ساروخانی، باقر. (۱۳۸۳). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی* (جلد اول). تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سپاسی، سحر، و حسن زاده، مرتضی (۱۳۹۵). «تأثیر بعد اقتصادی مسوولیت اجتماعی شرکت روی پایداری سود». *حسابداری ارزشی و رفتاری*. ۱۱(۱): ۱۳۲-۱۳۸.

صابری زفرقندی، محمداقبر، رحیمی موقر، آفرین، حاجبی، احمد، امین اسماعیلی، معصومه، رزاقی، عمران، خستو، گل آرا، جارسایه رضا (۱۳۸۸). «وضعیت مصرف مواد، اعتیاد و خدمات مربوطه در کارگران منطقه صنعتی عسلویه (میدان گاز پارس جنوبی)». *تحقیقات نظام سلامت حکیم (حکیم)*. ۱۲(۴): ۵۸-۶۸.

صدوق، سیدحسن، سجادی، ژیلا، امیری، سیدنورالدین (۱۳۹۳). «تحلیل پایداری اجتماعی اثرات توسعه صنعتی منطقه ویژه پارس جنوبی در بخش عسلویه». *جغرافیا*. ۱۲ (دوره جدید): ۶۳-۸۱.

طالبیان، سیدامیر، فاضلی، محمد، دغاقله، عقیل (۱۳۸۷). «تحلیل تأثیر اجتماعی توسعه صنعتی در منطقه عسلویه». *نامه علوم اجتماعی*. ۱۶(۱): ۷۵-۵۵.

کرسول، جان. وارد. (۲۰۰۹) *طرح پژوهش: رویکردهای کمی، کیفی و شیوه ترکیبی*، (ترجمه حسن دانایی‌فرد و علی صالحی)، تهران: موسسه کتاب مهربان نشر.

Klandermans, B. (1997). *The social psychology of protest*. Oxford: Blackwell.

Krishnamurti, C., Shams, S., & Velayutham, E. (2018). "Corporate social responsibility and corruption risk: A global perspective". *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 14(1), 1-21.